

# علیقلی خان سردار اسعد

## تاریخ نگاری بختیاری



زندگی سیاسی و فرهنگی سردار اسعد

حاج علیقلی خان سردار اسعد (دوم) فاتح تهران و یکی از خان‌های بختیاری، در سال ۱۲۷۴ ق / ۵۸-۱۸۵۷ م در میان سیاه چادرهای ایل بختیاری متولد شد.<sup>۱</sup> وی چهارمین پسر حسینقلی خان، ایلخانی بختیاری بود که در سال ۱۲۹۹ ق / ۱۸۸۲ م، توسط مسعود میرزا ظل السلطان، حاکم اصفهان و ایالات جنوبی و مرکزی ایران به قتل رسید.

علیقلی مراحل آغازین تربیت و تکامل خود را میان ایل طی کرد و در عنفوان جوانی، به همراه مادرش به زیارت مکه نائل شد و از آن پس به حاجی ملقب گردید.<sup>۲</sup> به هنگام مسافرت حسینقلی خان به اصفهان و قتل وی توسط ظل السلطان، دو پسر وی اسفندیار و علیقلی همراه وی بودند و با قتل پدر زندانی شدند.

علیقلی پس از سه سال حبس با وساطت امین السلطان، صدراعظم ناصرالدین شاه، در سال ۱۳۰۲ ق آزاد شد. پس از ورود به تهران، با حمایت‌های دائمی امین السلطان به درجه سرتیپی رسید و به فرماندهی تیپ سوار صدنفره بختیاری - گارد ویژه صدراعظم - منصوب شد.<sup>۳</sup> پس از مرگ برادرش اسفندیار خان، سردار اسعد (اول)، در سال ۱۳۲۱ ق / ۱۹۰۳ م این لقب به علیقلی خان اعطاء شد.<sup>۴</sup> طی دوره چهل روزه فاصله میان قتل ناصرالدین شاه و ورود مظفرالدین شاه به پایتخت، علیقلی و سواران بختیاری اش از جان امین السلطان محافظت کردند که اداره امور مهمه دولت را برعهده داشت. طی یک دوره چند ساله، روابط حسنه و عمیقی میان علیقلی و امین السلطان ایجاد شده بود که باعث شد، پس از برکناری امین السلطان در سال ۱۳۲۴ ق / ۱۸۹۶ م،

سردار اسعد نیز تهران را ترک گفت و به ایل خود پیوست.<sup>۵</sup> وی در سال ۱۳۱۸ ق / ۱۹۰۰ م از طریق هند به اروپا رفت و پس از حدود دو سال اقامت در اروپای پیشرفته آن روزگار، به تهران بازگشت. طی دو سال اقامت سردار (علیقلی) در اروپا، وی با تحولات و پیشرفت‌های اروپاییان آشنا و اندیشه‌اش متحول شد. پس از بازگشت به تهران، دوباره فرماندهی محافظان امین السلطان را پذیرفت، چرا که او هم برای بار دیگری صدراعظم شده بود. با برکناری مجدد امین السلطان از صدارت عظمی، سردار اسعد نیز که از پذیرش فرماندهی گارد محافظ نخست‌وزیر جدید (عین الدوله) اکراه داشت، به سرزمین بختیاری بازگشت.<sup>۶</sup>

علیقلی خان سردار اسعد در سال ۱۳۲۴ ق / ۱۹۰۶ م، برای معالجه چشمان خود به اروپا رفت و سه سال در فرانسه اقامت کرد.<sup>۷</sup> در پاریس از استبداد صغیر محمد علیشاه و سرکوبی مشروطه خواهان اطلاع پیدا کرد و نسبت به آینده ایران نگران شد. در نتیجه، در جلسات مشروطه خواهان ایرانی که از چنگال محمد علیشاه گریخته و در پاریس گرد هم آمده بودند، به طور منظم شرکت کرد و از آنان حمایت مادی و معنوی به عمل آورد.<sup>۸</sup>

با تشویق‌های مکرر مشروطه خواهان ایرانی، سرانجام سردار اسعد مصمم شد، بر ضد استبداد وارد عمل شود. پس به لندن رفت و بعد از مذاکره با مقامات وزارت خارجه انگلیس، آنان را در خصوص حرکتش بر ضد استبداد متقاعد کرد.<sup>۹</sup> سردار پس از ارسال نامه‌هایی به برادر بزرگ‌تر خود، نجفقلی خان صمصام السلطنه، مبنی بر بسیج نیروی بختیاری، روانه ایران گردید.

صمصام السلطنه که قبلاً اصفهان را از چنگ دولت در آورده بود، با رسیدن برادر کوچک تر اما کاردان خود، فرماندهی را به او وا گذاشت و سردار اسعد با نیروهای بختیاری عازم تهران شد. او ضمن اجتناب از خونریزی فامیلی، بختیاری های تحت فرماندهی خود را از هر گونه بی نظمی و غارتگری بر حذر داشت.

سرانجام دوسپاه شمال و جنوب به رهبری محمد ولی خان تنکابنی (سپهدار اعظم) و علیقلی خان سردار اسعد در ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۲۷ق/ ۲۰ ژوئیه ۱۹۰۹م وارد تهران شدند و محمد علی شاه مستبد را از سلطنت خلع کردند. در اولین کابینه پس از فتح تهران، سردار اسعد وزیر داخله شد، اما دو ماه بعد در کابینه سپهدار اعظم به منصب وزارت جنگ رسید. با تشکیل کابینه مستوفی الممالک، هر دو فاتح مناصب وزارتی را ترک گفتند و نماینده مجلس شدند. با سقوط کابینه مستوفی و تشکیل مجدد کابینه سپهدار، سردار اسعد با وجود اصرارهای وی، حاضر به پذیرش پست وزارت نشد.<sup>۱۱</sup> مدتی بعد هم، حتی نشان قدس و مبلغ ۶ هزار تومان را که از جانب دولت به وی اعطا شده بود، برای تعلیم و تربیت کودکان ایرانی به وزارت علوم مسترد نمود.<sup>۱۱</sup>

در اول جمادی الثانی ۱۳۲۹/ ۳ ژوئن ۱۹۱۱م، سردار آزاده از بی ثباتی امور دولت، برای ادامه معالجه چشمانش روانه اروپا شد. پس از معالجه، در زمستان همان سال به ایران بازگشت اما کم تر از یکسال بعد، کاملاً نابینا، فلج و خانه نشین شد. سردار از آن پس باقی زندگی اش را با فعالیت های علمی و فرهنگی و گوش دادن به کتاب هایی که برایش قرائت می کردند، سپری کرد و سرانجام، در ۱۴ محرم ۱۳۳۶/ اول نوامبر ۱۹۱۷م در سن ۶۳ سالگی به دیار باقی شتافت.<sup>۱۲</sup> دولت و ملت ایران به پاس خدمات وی به میهن، مراسم تشییع جنازه و سوگواری آبرومندانه ای برگزار کردند و پیکرش را در تکیه میر قبرستان تخت فولاد اصفهان (آرامگاه خانوادگی خوانین بختیاری) دفن نمودند.

علیقلی خان سردار اسعد تنها در امور سیاسی و نظامی دارای شایستگی و ذکاوت نبود، بلکه در امور علمی و فرهنگی نیز لیاقت و کاردانی زیادی نشان داد و منشأ آثار و خدمات فراوانی شد. وی علاقه و توجه شدیدی به مسائل علمی و فرهنگی داشت و در این راستا، از هیچ گونه تلاشی فروگذار نمی کرد. سردار سفرهای زیادی به اروپا، به ویژه فرانسه داشت و با تحولات و پیشرفت های آن سرزمین آشنا شد. همین آشنایی باعث مرفقی شدن اندیشه و ذهن او گردید و در نتیجه کوشید در ایران به ایجاد تحولات، به ویژه تحولات فرهنگی، دست بزند. در ادامه، تنها بخشی از اقدامات و آثار علمی و فرهنگی وی ارائه می شود.

سردار اسعد از اولین رجالی بود که قبل از طلوع مشروطیت ایران نسبت به تعلیم و تربیت کودکان ایرانی توجه نشان دادند. در اولین مجلسی که در سال ۱۳۱۵ق برای توجه به امر معارف تشکیل شد، حضور داشت.<sup>۱۳</sup>

در سال ۱۳۲۹ق نیز، برای تأسیس مدرسه صنایع مستظرفه به کمال الملک و حکیم الملک کمک کرد و مجوز واگذاری قسمتی از اراضی باغ نگارستان را برای ساختن این مدرسه، همراه با مبالغ زیادی پول، از مجلس شورای ملی گرفت.<sup>۱۴</sup>

سردار به امر تعلیم و تربیت کودکان بختیاری نیز توجه داشت و بدین خاطر، دبستانی به سبک مدرسه های نوین در سرزمین بختیاری تأسیس کرد. به علاوه، شیخ علی تازی را با چند نفر معلم از تهران استخدام کرد و برای تعلیم و تربیت کودکان بختیاری به میان ایل برد.<sup>۱۵</sup> بعدها با کمک مالی خودش فارغ التحصیلان همین مدرسه و کودکان دیگری را برای ادامه تحصیلات به اروپا فرستاد.<sup>۱۶</sup>

سردار اسعد علاقه زیادی نیز به امر تألیف و ترجمه داشت. یا خود شخصاً به تألیف و ترجمه مبادرت می ورزید و یا این که دیگران را به تألیف و ترجمه تشویق می کرد.

در این راستا، از حمایت های مادی و معنوی آن ها نیز دریغ نمی ورزید. او نویسندگان، محققان و مترجمانی را استخدام کرد و به قریه جونقان، ملک خود برد و در آن جا به کار تألیف و ترجمه گماشت.<sup>۱۷</sup> سردار نوشته ها و کتاب های غیر فارسی را برحسب علاقه و سلیقه خود انتخاب می کرد و به گروه مترجمان می سپرد و در طول ترجمه بر کار آن ها نظارت داشت. خود او نیز چنان در امر مطالعه، تألیف و ترجمه کوشید که سرانجام چشمانش را از دست داد و نابینا شد. آثار و کتاب هایی که سردار اسعد شخصاً تألیف، ترجمه یا منتشر کرده است، عبارتند از (طبق ضبط خانبا با مشار در کتاب فهرست کتابهای چاپی فارسی):

۱. تاریخ حمیدی (داستان تاریخی درباره سلطان عبدالحمید)، نوشته پیر کیارد، ۱۳۲۷ق.
۲. خلاصه الاعصار فی تاریخ البختیار یا تاریخ بختیاری.
۳. دختر فرعون، نوشته الکساندر دوم، ۱۳۲۴ق.
۴. عشق پاریس، نوشته الکساندر دوم، ۱۳۲۲ق.
۵. غادة الانگلیس (بولینا)، نوشته جرجی زیدان، ۱۳۲۱ق.
۶. هانری سوم، ۱۳۲۳ق.
۷. هر مس مصری، ۱۳۲۲ق.

### ویژگی ها و اهمیت کتاب تاریخ بختیاری

یکی از معروف ترین و مهم ترین آثاری که با همت و توجه سردار اسعد گردآوری و منتشر شد، کتاب «تاریخ بختیاری» است. علیقلی خان در میان امور علمی و فرهنگی، دلبستگی شدیدی به تاریخ داشت. تاریخ دوستی وی باعث شد که درباره تاریخ ایران و اقوام آن به مطالعه و تحقیق بپردازد. علامه قزوینی، در خصوص علاقه سردار اسعد به تاریخ، می نویسد: «من آن مرحوم را خوب می شناسم و در تمام مدت اقامت او در پاریس، هفته ای دو سه مرتبه او را می دیدم و غالباً صحبت

ما از تاریخ بود؛ زیرا که او به تاریخ بسیار علاقه داشت.<sup>۱۹</sup>

علاقه سردار اسعد به تاریخ و تاریخ نگاری از این جا معلوم می شود که در میان کتاب هایی که به وسیله خود او و یا تشویق و حمایت وی ترجمه و تألیف شدند، چندین اثر تاریخی، همچون تاجگذاری شاه سلیمان صفوی، سفرنامه شرفی، سرگذشت کوروش کبیر، کتاب آبی (گزارش های محرمانه وزارت خارجه انگلیس از انقلاب مشروطه)، تاریخ حمیدی و به ویژه خلاصه الاعصار فی تاریخ البختیار به چشم می خورد. اما کتاب آخر از خیلی جهات با کتاب های تاریخی دیگری که ذکر شد، تفاوت دارد. در این جا مهم ترین ویژگی ها و وجوه اهمیت تاریخ بختیاری، فهرست وار ذکر می شود:

۱. در این کتاب نه تنها به وقایع و مسائل تاریخی، بلکه به مسائل و موضوعات دیگری هم چون جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... پرداخته شده است. برای مثال، مسائلی چون اصل و نسب بختیاری، زبان، آداب و رسوم، اخلاقیات و مشاغل و معیشت آن ها و همچنین کوه ها، رودخانه ها، آثار باستانی و... منطقه زندگی بختیاری شرح گردیده اند.

محدوده زمانی نوشته های کتاب از ادوار افسانه ای و ماقبل تاریخ ایران تا جنگ جهانی اول است که اگر چه ترتیب تاریخی وقایع به طور کامل رعایت نشده، اما اطلاعات وسیع و مبسوطی در یک جا گردآوری شده است. پر واضح است که مطالب مربوط به انقلاب مشروطه و فتح تهران، به دلیل حضور شخص سردار اسعد، از تفضیل و سندیت بیش تری برخوردارند.

۲. از دیگر ویژگی های کتاب تاریخ بختیاری این است که در آن، علاوه بر استفاده از نظرات نویسندگان آن، به ویژه سردار اسعد از نوشته ها و سفرنامه های بیگانگان که به ایران مسافرت کرده اند نیز بهره گرفته شده است. صفحات بسیاری از کتاب به سفرنامه های لایارد انگلیسی<sup>۲۰</sup> و بارون دوبدروسی<sup>۲۱</sup> اختصاص داده شده است. همچنین، از نوشته های ابن بطوطه، هوم شیندلر<sup>۲۲</sup> لرد کرزن، سر جان ملکم ادوارد استاک استفاده شده و مطالب و نوشته های آنان به طور مجزا و بدون دخل و تصرف چاپ شده اند.

اگر چه امروزه به علت ترجمه و چاپ کامل و مجزای اغلب سفرنامه ها و نوشته های مذکور، نیازی به کپی برداری این کتاب ها و سفرنامه ها، آن هم در صفحات زیاد در تألیفات نیست، و حتی از ارزش علمی کتاب می کاهد، اما در زمان گردآوری کتاب تاریخ بختیاری، چون اغلب آن آثار ترجمه و چاپ نشده بودند، گردآورندگان کتاب، به ویژه شخص سردار اسعد، ارائه ترجمه آن ها را در کتاب مذکور ضروری تشخیص داد. بعدها در عصر پهلوی، خسروخان سردار ظفر، برادر سردار اسعد، در کتاب یادداشت ها و خاطرات خود، ترجمه سفرنامه لایارد را عیناً از کتاب تاریخ بختیاری اقتباس کرد.

۳. بهره گیری از اندیشه و قلم قوی نویسندگان و

مترجمان چیره دست او آخر دوره قاجار نیز از خصیصه های مهم کتاب است. سردار اسعد، نویسندگان صاحب آثاری همچون: میرزا عبدالحسین خان ملک المورخین، سلطان محمد بن اسدالسلطنه نائینی، عبدالرحیم خان کاشانی، محمد صادق صاحب نسق قمی و... و مترجمان برجسته ای چون: یوسف مسیحی چهار محالی، علیرضا بن محمد حسین بن کیخسرو بن فتحعلی شاه قاجار، علامه محمد قزوینی، ابوالحسن خان سرتیپ گرانبمایه و...، یعنی مجموعه ای از نویسندگان و مترجمان برجسته را در یک جا گرد آورد و از فضل و دانش آنان برای جمع آوری کتاب استفاده کرد.

۴. اسامی منابع و کتاب های مورد استفاده، و اسامی نویسندگان آن ها در اغلب موارد ذکر شده است. سردار اسعد و دیگر نویسندگان و مترجمان کتاب، مطالب دیگران را به نام خود ارائه نکرده اند، بلکه با رعایت امانت، اسامی منابع و نویسندگان آن ها را ذکر کرده اند.

۵. در این کتاب، علاوه بر استفاده از سفرنامه ها و خاطرات بیگانگانی چون لایارد، دوید، کرزن، شیندلر و دیگران، از منابع کتاب های تاریخی و غیر تاریخی معتبر فارسی نیز بهره گرفته شده است. گردآورندگان کتاب، علاوه بر ذکر نام منبع و نویسنده آن در متن، در پایان کتاب نیز فهرست وار مشخصات منابع خود را ذکر کرده اند.

۶. از دیگر ویژگی های مهم کتاب تاریخ بختیاری این است که همه نوشته ها و ترجمه های دیگران، به وسیله شخص سردار اسعد بازبینی شده است. سردار که در خصوص مسائل تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و... ایل بختیاری اطلاعات وسیعی داشت، ایرادات آن ها را اصلاح و رفع می کرد. وی خیلی از مطالب مبالغه آمیز درباره ایل بختیاری و شخص خودش را که حالت مدح و ستایش داشت و دیگران نوشته بودند، حذف می کرد و یا می سوزاند.

۷. در این کتاب از اسناد، فرمان ها و حکم های سلطنتی، نامه ها، تلگرافات و سایر مستندات تاریخی استفاده شده است. ارائه فرمان نادرشاه به علی صالح خان بختیاری، فرمان شاه اسماعیل سوم صفوی به خان مذکور و فرمان کریم خان به ابدال خان بختیاری<sup>۲۳</sup> و ارائه اعلامیه ها، تلگرافات و... در مبحث «بختیاری ها و مشروطه»، حاکی از توجه نویسندگان و گردآورندگان کتاب به اسناد و مدارک تاریخی است.<sup>۲۵</sup>

## نویسندگان و مترجمان تاریخ بختیاری

در مجموع ۱۴ نفر در تألیف و ترجمه کتاب تاریخ بختیاری نقش داشتند که عبارتند از:

۱. سردار اسعد که کتاب تاریخ بختیاری زیر نظر و به دستور او نوشته شد. او اضافه بر ویرایش کتاب برای چاپ، قسمت هایی از کتاب را هم نوشته که در هر قسمت، با عبارت «نوشته سردار اسعد» مشخص شده است.

۲. عبدالحسین خان لسان السلطنه ملک المورخین، نوه محمد تقی

خان لسان‌الملک سپهر، نویسنده «ناسخ‌التواریخ» که مردی دانشمند و قاضل بود و مؤسس چند روزنامه و نویسنده کتاب‌هایی چون: مرآة‌الوقایع مظفری، یادداشت‌های ملک‌المورخین. وی مؤلف اولیه و اصلی کتاب تاریخ بختیاری است که از سال ۱۳۲۷ق/ ۱۹۰۹م تا سال ۱۳۲۹ق/ ۱۹۱۱م به توصیه و حمایت سردار اسعد، به نگارش آن پرداخت. پس از سفر سردار به اروپا در سال ۱۳۲۹ق برای معالجه چشم، وقفه چهار ساله‌ای در نگارش کتاب پدید آمد که پس از شروع مجدد، دیگران کار را ادامه دادند.

۳. سلطان محمد بن اسد السلطنه نائینی، نویسنده و مترجم اواخر دوره قاجار که پس از بازگشت سردار اسعد از اروپا، به دستور وی تألیف کتاب را همراه با ترجمه بخش‌هایی از سفرنامه بارون دوبد ادامه داد و در رجب ۱۳۳۳ق/ ۱۹۱۵م آن را به پایان رساند.

۴. میرزا مهدی خان ضیفم‌الممالک بختیاری، نویسنده مباحث لغات بختیاری، کوه رنگین و کوه دره‌زان.

۵. عبدالحمید خان یمین نظام کاشانی، نویسنده مباحث جغرافیا و تاریخ سیاسی بختیاری.

۶. میرزا عبدالرحیم خان کاشانی، نویسنده مبحث شرحی درباره سرزمین بختیاری.

۷. علیرضا بن محمد حسین بن کیخسروین فتح‌علیشاه قاجار، مترجم خاطرات هوتم شیندلر.

۸. ابوالحسن خان سرتیپ گرانمایه که از دوستان ملک‌المورخین، تحصیلکرده نظامی در آلمان بود و یادداشت‌های شیندلر درباره آثار قدیمی سرزمین بختیاری را ترجمه کرد.

۹. محسن خان، مترجم بخش‌هایی از کتاب تاریخ ایران قدیم، نوشته فردیناند یوستی آلمانی.

۱۰. مادموازل حاجب، دختر مصطفی خان امیر معظم که بخش‌هایی از لغت‌نامه لاروس و کتاب تاریخ ایران را ترجمه کرد.

۱۱. محمد صادق صاحب نسق قمی، از فضلا و دانشمندان، صاحب کتاب «گنجینه‌الجوامع»، دوست فرهنگی و خانوادگی سردار اسعد دوم و سوم که مصاحبه نشریه اکیسلیسر فرانسوی با سردار اسعد را ترجمه کرد.

۱۲. علامه محمد قزوینی، دانشمند مشهور که نامه‌های مغولی ایلخانان به فیلیپ لوبل، پادشاه فرانسه را، با همکاری بلو، مستشرق فرانسوی ترجمه کرد.

۱۳. یوسف مسیحی چهارمحالی، از ارامنه جلفا که قسمت‌هایی از سفرنامه لایارد انگلیسی را در سال ۱۳۲۰ق و قسمت‌هایی از کتاب ایران و قضیه ایران نوشته لرد کرزن انگلیسی را به سفارش و دستور سردار اسعد ترجمه کرد.

۱۴. محمد علی الحسینی تفرشی که در سال ۱۳۳۳ق، پس از خاتمه تألیف کتاب، آن را برای چاپ سنگی کتابت کرد.

## مراحل چاپ و انتشار کتاب تاریخ بختیاری

این کتاب به صورت یک جا و در یک جلد به چاپ نرسیده است. چاپ‌های ارائه شده از کتاب به قرار زیر است:

۱. بخش اصلی کتاب که در سال‌های ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ق/ ۱۹۰۹-۱۹۱۰م در ۵۴۱ صفحه توسط ملک‌المورخین تألیف و تدوین شده بود، در قطع رحلی و چاپ سنگی، طی سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۱ق/ ۱۹۱۱-۱۹۱۳ به چاپ رسید. این بخش در سال ۱۳۵۵ شمسی، زیر نظر محمد مقدم، مصطفی انصاری و مجید رهنما، همراه با ۵۰ عنوان کتاب نایاب درباره فرهنگ و تاریخ ایران بود و از روی نسخه‌ای که در کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران نگهداری می‌شد، عکس برداری و به صورت افست بدون هیچ دخل و تصرفی، تجدید چاپ شد. این قسمت که نسخه‌های آن فراوان وجود داشته است، بنابه گفته جواد صفی‌نژاد، ناقص است؛ زیرا که با رجوع به فهرست آغاز آن، عنوان‌هایی مشاهده می‌شود که مطالب آن در متن وجود ندارد.

۲. تعداد بسیار کمی از نسخه‌های چاپی کتاب مذکور وجود داشته‌اند که حاوی قسمت دوم آن هستند. محتوای این قسمت از «کوه رنگین» (ص ۵۴۱) آغاز و با «رود کارون» (ص ۶۳۶) خاتمه می‌پذیرد. مطالب و اطلاعات این قسمت بیش‌تر راجع به مشروطیت است که برخلاف قسمت اول، صفحات آن شماره‌گذاری نشده‌اند. به عقیده صفی‌نژاد، همین قسمت است که سردار اسعد عراق‌آمیز دانسته و سوزانده است. با وجود نابودی آن‌ها توسط سردار اسعد، چند نسخه از آن باقی مانده و حتی یکی از آن‌ها در اختیار جواد صفی‌نژاد قرار گرفته و مبنای کار وی بوده است.

۳. بعضی نسخه‌های دیگری که خیلی نایابند، شامل قسمت سوم یا پایانی کتاب می‌شوند. این قسمت از صفحه ۶۳۹ آغاز می‌شود. و حاصل همکاری سلطان محمد خان اسد السلطنه نائینی با سردار اسعد بوده است و لسان‌الملک سپهر (ملک‌المورخین) در آن نقشی ندارد. این بخش که در سال ۱۳۳۳ق تهیه شده است، شامل وقایع کشته شدن ناصرالدین شاه استنطاق قاتل وی، ترجمه قسمت‌هایی از سفرنامه بارون دوبدو... می‌شود.

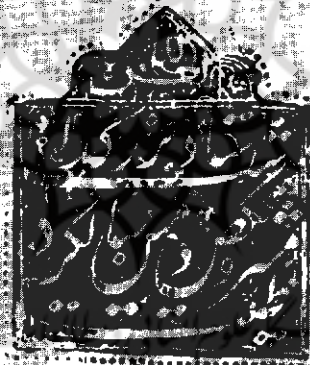
۴. چاپ جامع و کامل کتاب تاریخ بختیاری به همت جواد صفی‌نژاد، همراه با مقدمه‌ای درباره تاریخ چاپ کتاب، توسط انتشارات یساولی (فرهنگسرا)، در مهرماه ۱۳۶۱ش به عمل آمده است که افستی از مجموعه چاپ‌های سنگی قبلی بوده است.

۵. کتاب بار دیگر و البته به صورتی شایسته و مطابق رسم الخط و ویرایش جدید، به اهتمام جمشید کیان‌فر، در سال ۱۳۷۶ چاپ شد. ایشان مقدمه، حواشی و یادداشت‌های عالمانه و فاضلانه‌ای بر آن نگاشته‌اند.

- زیر نویس  
۱. مکن روز. با من به سرزمین بختیاری  
بیاید. ترجمه مهراب امیری. نشر آژان. چاپ  
اول. تهران. ۱۳۷۳. ص ۲۱۲ (یادداشت های  
مترجم)؛ New. 1989. vol.3. P.543.  
Iranica+EnceydoFedonia .york  
۲. گارثویت. جن راف. بختیاری در آینه  
تاریخ. ترجمه مهراب امیری. نشر آژان و نشر  
سهند. چاپ اول. تهران.  
۱۳۷۵. ص ۱۵۶؛ Encyclopedia  
Iranica.Ibid  
۳. سردار اسعد. علیقلی و لسان السلطنه  
سپهر (ملک المورخین). عبدالحسین. تاریخ  
بختیاری. به اهتمام جمشید کیان فر. انتشارات  
اساطیر. چاپ اول. تهران. ۱۳۷۶. ص ۴۷۲.  
۴. مکن روز، همان، ص ۲۱۰.
- بزرگ. انتشارات ادیب. چاپ دوم. تهران.  
۱۳۶۲. ص ۴۸۷.  
۱۳. دولت آبادی، یحیی، حیات یحیی  
انتشارات عطار و انتشارات فردوسی. ج اول.  
چاپ ششم. تهران. ۱۳۷۱. ص ۱۸۶.  
۱۴. محیوبی اردکانی، حسین. تاریخ  
مؤسسات تمدنی جدید در ایران. ج اول.  
انتشارات دانشگاه تهران. تهران. ۱۳۷۰. ص  
۴۱۵.  
۱۵. ملک زاده، همان.  
۱۶. همان.  
۱۷. سردار اسعد، علیقلی. تاریخ  
بختیاری. به کوشش جواد صفی نژاد. انتشارات  
پساوولی (فرهنگسرا). تهران. ۱۳۶۳. ص ۱۶.  
مقدمه مصحح.  
۱۸. تقی زاده، حسن. زندگی توفانی.
5. Encyclopeda Iranic.Ibid.  
6.Ibid  
7.Ibid  
۸. هدایت (مخبر السلطنه)، حاج  
مهدیقلی. خاطرات و خطرات. انتشارات  
زوار. چاپ چهارم. تهران. ۱۳۷۵. ص ۱۸۱.  
۹. ملک زاده، مهدی. تاریخ انقلاب  
مشروطیت ایران. ج ۴. انتشارات علمی.  
چاپ سوم. تهران. ۱۳۷۱. ص ۱۰۷۹.  
10.Ibid  
۱۱. سردار اسعد و... همان، ص ۴۸۱.  
۱۲. منابع در مورد تاریخ دقیق مرگ  
سردار اسعد اختلاف نظر دارند و خیلی از  
آن ها نیمه دوم محرم راکه مراسم عزاداری  
وی برگزار شد، زمان مرگش به حساب  
می آورند. رک: سپهر. ایران در جنگ
۲۰. Sir Austin Herry Layard.  
21. Baron deBod.  
۲۲. الکساندر هوتوم شیندلر، ژانرال  
انگلیسی. ولی آلمانی الاصل که به استخدام  
اداره تلگراف در ایران درآمد و گزارش های  
مفیدی برای دایرة المعارف بریتانیا درباره ایران  
گردآوری کرد.  
۲۳. سردار اسعد، علیقلی و لسان السلطنه  
سپهر. تاریخ بختیاری. به اهتمام جمشید  
کیان فر. ص ۱۵۸-۱۶۵.

بنابر مصوبات ستاد بزرگداشت یکصدمین سالگرد مشروطیت، کمیته پژوهشی ستاد، (دانشگاه تهران) در نظر دارد به مناسبت بزرگداشت یکصدمین سالگرد مشروطیت؛ همایشی در اسفندماه سال ۱۳۸۳ برگزار کند. محورهای این همایش شامل این موارد است:

از عموم اندیشمندان، صاحب نظران و استادان ارجمند، دعوت می شود خلاصه مقالات خود را حداکثر تا تاریخ مهرماه سال ۱۳۸۳ به نشانی مجری برگزاری همایش، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ارسال کنند.



۲- گستره جدید هنری (رمان، کاریکاتور،

عکاسی، نمایشنامه)

۳- روزنامه و روزنامه نگاری

۴- روابط خارجی

۱- سیاست روس و انگلیس در عصر

مشروطه

۲- عثمانی، آلمان، فرانسه و مشروطیت

ایران

۳- فلسفه مشروطیت

۱- مورخان مشروطیت

۲- بررسی جایگاه تاریخی مشروطه ایرانی

۳- مطالعه تطبیقی جنبش های

مشروطه خواهی

۴- مشروطیت ایران و عرصه جهانی

۱- مشروطیت ایران به روایت ناظران خارجی

۲- آزادی خواهان خارجی و مشروطیت ایران

۳- ایرانیان خارج از کشور و مبارزه آزادی

۱- بازرگانی هویت ملی

۲- حقوق

۱- حقوق اساسی

۲- قانون گذاری در مجالس اول و دوم

۳- مطالعه تطبیقی قوانین ایران و جهان

۱- اقتصاد

۱- اقتصاد سیاسی عصر مشروطه

۲- مالیه دولتی، بانک، استقراض

۳- هنر و ادب

۱- ادبیات سیاسی عصر مشروطه

الف) اندیشه

۱- متفکران عصر مشروطه

۲- مقالات، نظریه ها و مکاتبات سیاسی- اجتماعی

۳- سنت و تجدید

ب) جامعه

۱) نقش طبقات و گروه های اجتماعی در

جنبش مشروطه

۲) موقعیت و مبارزه زنان

۳) اقلیت های هیتی و ملهیی و مشروطیت

ج) سیاست

۱- ساختارهای حکومتی و روند دولت سازی

۲- مجلس شورای ملی و چالش اقتدار

سیاسی

۳- انجمن ها، احزاب و تشکل های عصر

مشروطه

۴- روز ملت سازی، ایجاد همبستگی ملی،

کمیته پژوهشی ستاد بزرگداشت یکصدمین سالگرد مشروطیت دانشگاه تهران / مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی

نشانی: تهران، بزرگراه آفریقا، بالاتر از میرداماد، کوچه فیادیان شرقی، پلاک: ۳/۶، تلفن: ۸۸۸۲۵۵۲ - ۸۷۸۷۲۷۴ - ۸۸۸۲۵۵۳ - شماره: ۸۸۸۲۵۵۳